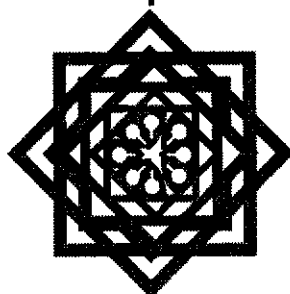


پیرامون تفسیر

فی ظلال القرآن



مسعود انصاری



سید قطب

سید بن قطب بن ابراهیم (۱۳۲۴-۱۳۸۷ق/۱۹۰۶-۱۹۶۶م)، از ادیبان برجسته، از اندیشوران و دعوتگران و مدافعان بزرگ عرصه حرکت اسلامی معاصر است که در قریه موشه از توابع آسیوط دیده به جهان گشود. روزگار جوانی را با اشتغال به اهتمامات ادبی گذراند و مقالات و تألیفات بسیاری در نقد ادبی نوشت.

در این مختصر مجال آن نخواهد بود که پیرامون این دوران از زندگانی سید قطب سخن گوئیم. تنها موجزی از زندگی و انس قرآنی او را از نظر می گذرانیم.

اگر از سال های آغازین زندگانی سید قطب که همچون بسیاری از کودکان آن دیار مشغول حفظ قرآن بود و تمام قرآن را در مدت سه سال، هنگامی که تحصیلات ابتدایی را می گذراند، بگذریم از رویکرد قرآنی آگاهانه سید قطب می توان در دهه چهل سخن گفت. در این دهه به نیت پژوهش های ادبی، در قرآن کریم نظر داشت و همین نگرش ادبی اش بود که او را به راهی آورد که نامش را جاودانه ساخت و گستره ای نوین فراروی او بازگشود. نام و گستره ای که در دیار ما بیش تر از این منظر شناخته شده است. از آن جا بود که پای در وادی دعوت، عمل و جهاد گذاشت و بر همین اساس قرآن خواند و قرآن آموخت تا آن که به یکی از مشعل داران بزرگ نوگرایی و حرکت اسلامی معاصر تبدیل شد و در نهایت پس از چندین بار دستگیری، زندان و شکنجه، چشم دوخته

به همین راه، جان باخت و دانسته‌های قرآنی او در خون پاکش به بار نشست و افتخار «مفسر شهید» بر کتاب زندگی‌اش مهر پایان زد.

مفسر شهید ما پنجاه و نه سال و دو ماه و بیست روز زندگی کرد و عاقبت به دستور جمال عبدالناصر و حکم فؤاد الدجوی، به دیدار پروردگار خویش شتافت و فکر قرآنی‌اش استقبال عام یافت و در دل دعوته‌گران و قرآن‌انيسان جای گرفت.

از سید قطب مقالات و کتاب‌های بسیاری برجای مانده است که «فی ظلال القرآن» در رأس آن‌ها جای دارد که به شرحی موجز پیرامونش سخن خواهیم گفت.

فی ظلال القرآن

این تفسیر در میان تفسیرهای قرآن کریم دارای رویکردی سیاسی، اجتماعی، حرکتی و تربیتی است که مؤلف آن به مفسری مجدد با سیاق تفسیری نوینی شهرت دارد و یکی از پیشوایان و اندیشوران اصیل حرکت اسلامی معاصر است. بنابراین تکرار مکررات فراوانی که در سایر تفاسیر ملاحظه می‌گردد، در این تفسیر جایی ندارد و در بسیاری از موارد، عرضه دارنده مباحثی بکر و بدیع است.

شخص مؤلف تمام تجربه قرآنی‌اش و نیز رهیافت تفسیری‌اش را در مقدمه «فی ظلال» چنین خلاصه می‌کند:

در پرتو قرآن زیستم تا هستی را بسی فراخ تر از بسیاری از ظواهر مشهودش ببینم، بزرگ تر در حقیقت و بزرگ تر در تعدد جوانبش... در سایه قرآن باز یافتم که تصادف بی بصیرت را در عرصه هستی جایی نیست...

محمد قطب برادر دانشور مؤلف «فی ظلال» در چند سطری که در آغاز تفسیر آمده است می‌نویسد:

فی ظلال القرآن کتابی است که نگارنده‌اش با روح، اندیشه، شعور و همه هستی‌اش با آن زندگی کرد... و گزیده تجربه زنده‌اش در عالم ایمان را با آن به راز نهاد.

تفسیر «فی ظلال القرآن» در دو مرحله شکل یافت. باری هنگامی که سید قطب هنوز پای در میدان جهاد، حرکت و دعوت نگذاشته بود و بیش تر از دیدگاه نکات ادبی به قرآن می‌نگریست؛ و دیگر بار وقتی که همه وجود پیام قرآنی را باز یافت و به صورت عملی به حرکت، تربیت و دعوت ملتزم گشت.

نخستین مرحله پیدایی «فی ظلال» به سال ۱۹۵۱ در مجله «المسلمون» برمی‌گردد که سعید رمضان منتشر کننده این مجله از مرحوم شهید سید قطب خواست تا به گونه پیوسته نوشتاری در آن مجله داشته باشد و سید نیز پذیرفت که مباحثی در تفسیر قرآن با عنوان «فی ظلال القرآن» بنویسد.

در نتیجه تا آیه ۱۰۳ سوره مبارکه بقره؛ شرح پیش گفته در مجله «المسلمون» منتشر شد و پس از آن سید قطب تصمیم گرفت عنوان دیگری را برای مقالات خویش در این مجله برگزیند. به خوانندگان وعده داد که به همین ترتیب، تفسیر سی جزء قرآن کریم را در سی بخش منتشر خواهد کرد. از آن تاریخ «فی ظلال» از مجله «المسلمون» درآمد و سرنوشتی دیگر یافت. پیرو وعده قبلی، نخستین جزء از آن در اکتبر ۱۹۵۲ توسط دارالکتب العربیه در قاهره منتشر شد و پس از آن هر دو ماه یک جزء عرضه می‌شد. این سیر تا جزء شانزدهم قرآن کریم ادامه یافت.

بعد از انتشار جزء شانزدهم سید قطب دستگیر و راهی زندان شد، در هفته‌های نخست به سبب آزارهای روحی و جسمی که می‌دید، نتوانست کارش را در زندان ادامه دهد. در نتیجه ناشر که قرارداد تفسیر تمامی قرآن مجید را تا پایان با او داشت، از دولت وقت به دادگاه برای جبران خسارت مالی خود شکایت برد و در نهایت دولت توافق کرد که سید قطب در زندان تفسیر را به پایان رساند. در پایان دهه پنجاه میلادی تألیف «فی ظلال» در زندان پایان یافت.

«فی ظلال» در این مرحله گرچه روشی نوین داشت، اما آن نبود که ما امروز شاهدش هستیم بلکه مؤلف دانشمند، پس از کشف نمایش هنری در قرآن و تألیف کتابی در این زمینه و با همین عنوان، آرزو داشت که این کار را در همه قرآن انجام دهد و به تفصیل ویژگی‌های و عناوین نمایش هنری را در تمام قرآن عرضه دارد. در این مرحله توفیق یافت بخشی از آرزویش را در مورد نمایش هنری در قرآن برآورده سازد. برخی از خواطر ذهنی، زیبایی، هنر، نمایش هنری و بعضی از مبادی و مناهج تفسیری‌اش را در تفسیر «فی ظلال» بیان داشت. اما زندان سید قطب را با مرحله جدیدی از تجربیات قرآنی مواجه ساخت و گستره نوینی از منهج حرکت اسلامی در دعوت، تربیت، جهاد و تغییر بر وی گشود و خداوند متعال او را به سوی کشف کلید فهم گنجینه‌های حرکی قرآن کریم و به کارگیری‌اش در مسیر دعوت و جهاد رهنمون گشت. با سودجویی از این

فیض، تفسیر «فی ظلال القرآن» وارد مرحله دوم سرنوشت خود شد و مؤلف محترم با پالایش و ویرایش دوباره روح ویژه‌ای بدان بخشید. آغاز این کار با توجه به زمینه‌های روحی فراهم شده برای سید قطب از قبیل زندان، شکنجه، جاهلیت حاکم از آیات مکی که تلاثم کامل با آن داشت، شروع شد.

از این رو مؤلف شروع این کار را از سه جزء آخر قرآن کریم که تأمین بخش این هدف بود، آغاز کرد و پاره‌ای از مفاهیم حرکتی جدید را در تفسیر این سه جزء بیان داشت و پس از آن مصمم گشت این روند را در مورد همه قرآن تکرار کند و با بیان تجربه نوین حرکتی اش روحی دیگر در تفسیر «فی ظلال» بدمد. جزء نخست تنقیح شده «فی ظلال القرآن» در آغاز سال ۱۹۶۰ توسط دارالاحیاءالکتاب العربیه منتشر شد و بدین وسیله «نمایش هنری در قرآن» که بیانگر زیبایی و هنر در قرآن کریم بود، قرین دیگری یافت که از گنجینه‌های حرکتی قرآن کریم، پرده برمی داشت. سید قطب بدین اعتبار مفسری مجدد گشت که دارای سبک نوینی در قرآن تحت عنوان «سبک تفسیر حرکتی» است. شاهکار سید قطب در تأمین این هدف (روش تفسیری اش) اجزای هفت و هشت از «فی ظلال القرآن» است که فراگیر سوره انعام است. مؤلف در مقدمه‌ای که بر این سوره نوشته و در تفسیر این سوره حکمت بسیاری از موضع‌گیری‌های پیامبر اکرم ﷺ را یادآور شده و ضرورت تاسی و به کار گماردن آن حکمت‌ها را در حرکت اسلامی معاصر گوشزد کرده است، چنان که این دو جزء متمرکزترین، پخته‌ترین و روشن‌ترین اجزای «فی ظلال» هستند. سید قطب در پرتو همین رهیافت، ده جز نخست تفسیر «فی ظلال» را تنقیح کرد. پس از آزادی از زندان به سال ۱۹۶۴ قصد آن داشت که مابقی اجزاء را نیز به ترتیب سابق پالایش کند و اجزای یازدهم، دوازدهم و سیزدهم را نیز در این راستا دوباره نوشت که با احتساب اجزای پیش گفته به شانزده جزء رسید اما سرکشان ستمگر فرصت را از او سلب کردند و راه را بر او بستند و او بی‌آن که بتواند به هدفش برسد، به سوی پروردگار خود شتافت.

آن چه گفتیم، اندکی از مزایای «فی ظلال» و ارزشهای آن بود، اما نباید از نظر دور داشت که سید قطب نیز همچون هر متفکر دیگری انسان بود و از این رو، نمی‌توان به طور مطلق همه تئوری‌پردازی‌هایش را بی‌چون و چرا پذیرفت. با توجه به دگرگونی‌هایی که پدیده‌های اجتماعی به خود می‌بینند و تغییر و ثبات و شرایط زمانی و

مکانی، مباحث غیرمسلم این تفسیر نیز همچون هر نظریه دیگری اثبات و ابطال پذیر است. بسیاری از متفکران، از جمله اندیشوران اخوان المسلمین که دست اندرکار دعوت اسلامی اند، به رغم دلبستگی و احترام فراوانی که برای سید قطب قایل اند، همه نظریات او را در عمل قابل اجرا نمی دانند و نظر بر این دارند که نمی توان اخوانی بودن سید قطب را در روش و عمل احراز کرد، زیرا پس از آن که سید قطب از بحران فکری رهایی یافت، مدت درازی از تئوری پردازان اخوان المسلمین دور و برکنار بود و در بیش تر دوران حیات رویکرد اسلامی اش در زندان بود و تحت تأثیر شرایط بسیار سخت زندان، مباحثی بسیار تند در تفسیر «فی ظلال» و «معالم فی الطریق» (چراغی بر فراز راه) آمده است که ممکن است با رفق و مدارا و روش بسیاری از دعوتگران عصر کنونی که عزمی راسخ در دعوت دارند، و مهرورزی و مصلحت را رکن رکین دعوت و فراخوانی اسلامی می دانند، سازگار نیفتد. در نهایت می توان به این نتیجه رسید که اگرچه به صورت موقت بتوان نظریه های سید قطب را پیرامون جاهلیت، طاغوت، کفر و مقابله به مثل و... جز آن را با واقعیاتی ناسازگار دانست، اما حقیقت گفتار سید قطب غیرقابل انکار است.

از تفسیر «فی ظلال القرآن» استقبالی شایان شده است، چنان که این استقبال آن را در رده پرتیراژترین کتاب های دنیا، خصوصاً کشورهای اسلامی درآورده است. استاد حسن فرحات در این باره می گوید:

این همه، بدان سبب است که سید قطب فی ظلال را دو بار نوشت. باری با قلم عالم و دیگر بار به خون شهید!

در سال های اخیر دارالشروق در لبنان، بیروت چاپی منقح از این تفسیر را به بازار کتاب عرضه داشته است.

خداوند از مؤلف شهید «فی ظلال القرآن» راضی و خشنود باد و به شیفتگان قرآن کریم و خدمت گذاران او در عصر بحران معنویت توفیق بندگی و نشر حقایق قرآن ارزانی دارد.

